



Jurisprudential Foundations for Protecting Women in Armed Conflict: Human Dignity and Substantive Justice in Imami Jurisprudence

Nafiseh Faraji

Researcher at the Level 4 (Khārij) program in Family Jurisprudence, Haḍrat 'Abd al-'Azīm (AS) Seminary Higher Education Institute; Ph.D. Candidate in Jurisprudence and Law, International University of Islamic Denominations. Email: n.faraji22@gmail.com

Abstract

Women may be disproportionately affected by armed conflict, which exposes them to threats to their lives, mental health, dignity, social status, and economic security. The protection of women therefore represents an important area of potential correspondence between Imami jurisprudence and contemporary international humanitarian law. Using a descriptive-analytical approach based on Imami jurisprudential sources, this study examines the foundations of protecting women during armed conflict and in the post-conflict period. It analyzes the principles of human dignity, the distinction between combatants and persons not taking part in hostilities, the prohibition of unnecessary suffering, the protection of the family, and social responsibility toward persons affected by conflict. The findings suggest that these principles provide important jurisprudential and ethical grounds for protecting women. Accordingly, attacks directed against women who are not taking part in hostilities, sexual violence, degrading treatment, and failure to address women's post-conflict needs are incompatible with the relevant principles of Imami jurisprudence. The study further argues that states and the Muslim community have responsibilities—varying in legal basis and scope—to protect women's security, provide appropriate material support, and facilitate their social rehabilitation.

Keywords: Imami jurisprudence; fiqh al-jihād; women's protection; armed conflict; human dignity; international humanitarian law; post-conflict rehabilitation



الأسس الفقهية لحماية النساء في النزاعات المسلحة: الكرامة الإنسانية والعدالة الموضوعية في الفقه الإمامي

نفيسه فرجى

باحث في مستوى السطح الرابع (الخارج) في فقه الأسرة، معهد التعليم العالي الحوزوي للعبد العظيم الحسني عليه السلام؛ طالب دكتوراه في الفقه والقانون، الجامعة الدولية للمذاهب الإسلامية.
البريد الإلكتروني: n.faraji22@gmail.com

الملخص

قد تتعرض النساء لأضرار غير متناسبة أثناء النزاعات المسلحة، إذ يواجهن تهديدات تمس حياتهن وصحتهن النفسية وكرامتهن ومكانتهن الاجتماعية وأمنهن الاقتصادي. ومن ثم، تمثل حماية النساء مجالاً مهماً من مجالات التوافق المحتمل بين الفقه الإمامي والقانون الدولي الإنساني المعاصر. تعتمد هذه الدراسة المنهج الوصفي التحليلي، بالاستناد إلى المصادر الفقهية الإمامية، لبحث أسس حماية النساء أثناء النزاع المسلح وفي مرحلة ما بعد النزاع. وتحلل الدراسة مبادئ الكرامة الإنسانية، والتمييز بين المقاتلين والأشخاص غير المشاركين في الأعمال العدائية، وحظر المعاناة غير الضرورية، وحماية الأسرة، والمسؤولية الاجتماعية تجاه المتضررين من النزاع. وتظهر النتائج أنّ هذه المبادئ توفر أسساً فقهية وأخلاقية مهمة لحماية النساء. وبناءً على ذلك، فإنّ الهجمات الموجهة ضد النساء غير المشاركة في الأعمال العدائية، والعنف الجنسي، والمعاملة المهينة، وعدم الاستجابة لاحتياجات النساء بعد انتهاء النزاع، تتعارض مع المبادئ ذات الصلة في الفقه الإمامي. كما تخلص الدراسة إلى أنّ الدول والمجتمع الإسلامي يتحملون مسؤوليات —مع اختلاف أساسها القانوني ونطاقها— في حماية أمن النساء، وتقديم الدعم المادي المناسب لهنّ، وتيسير إعادة تأهيلهنّ واندماجهنّ الاجتماعي.

الكلمات المفتاحية: الفقه الإمامي؛ فقه الجهاد؛ حماية النساء؛ النزاعات المسلحة؛ الكرامة الإنسانية؛ القانون الدولي الإنساني؛ إعادة التأهيل بعد النزاع

واکاوی مبانی فقهی حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر کرامت ذاتی و عدالت ماهوی

نفیسه فرجی

دانش پژوه مقطع سطح چهار رشته فقه خانواده، موسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم علیه السلام
دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

n.faraji22@gmail.com

چکیده

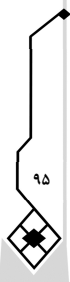
حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه یکی از مهم‌ترین موضوعات مشترک میان فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه معاصر است. زنان به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر در شرایط جنگی، همواره در معرض تهدیدهای جانی، روانی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. از این رو، تبیین مبانی فقهی حمایت از آنان در مراحل مختلف مخاصمات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقه امامیه، به بررسی مبانی حمایت از زنان در دوران جنگ و پس از آن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصولی همچون کرامت انسانی، تفکیک میان رزمندگان و غیررزمندگان، منع ایراد درد و رنج غیرضروری، حمایت از خانواده و مسئولیت اجتماعی در قبال آسیب‌دیدگان، مهم‌ترین مبانی فقهی حمایت از زنان را تشکیل می‌دهند. براساس این اصول، تعرض به زنان غیررزمنده، آزار جنسی، تحقیر شخصیت زنان و بی‌توجهی به وضعیت آنان پس از جنگ، با مبانی فقه اسلامی ناسازگار است. همچنین دولت‌ها و جامعه اسلامی نسبت به تأمین امنیت، حمایت مالی و بازسازی وضعیت اجتماعی زنان آسیب‌دیده از جنگ دارای مسئولیت هستند. **واژگان کلیدی:** فقه‌الجهاد، زنان، مخاصمات مسلحانه، کرامت انسانی، حقوق بشردوستانه، فقه امامیه.

۱. مقدمه

مخاصمات مسلحانه نه تنها امنیت فیزیکی، بلکه کرامت ذاتی انسان‌ها را به چالش می‌کشد و در این میان، زنان به دلیل ویژگی‌های زیستی و نقش‌های اجتماعی، در زمره آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در برابر پیامدهایی چون آوارگی و خشونت قرار دارند. فقه امامیه با نگاهی کل‌نگر و برپایه اصل «اصالة الصلح»، نظام حقوقی خود را صرفاً بر «غلبه نظامی» بنا نکرده، بلکه منظومه‌ای از قواعد الزام‌آور را برای صیانت از غیرنظامیان وضع نموده است.

فقه اسلامی با نگاهی کل‌نگر به پدیده جنگ، نظام حقوقی خود را صرفاً برپایه «غلبه نظامی» بنا نکرده است؛ بلکه با تأکید بر اصل «اصالة الصلح» و محدودسازی خشونت، منظومه‌ای از قواعد حمایتی را برای صیانت از غیرنظامیان وضع نموده است. در واقع، فقه‌الجهاد در دیدگاه امامیه، دانشی فراتر از تاکتیک‌های نظامی است و قلمرو آن از شیوه اداره مخاصمات تا صیانت از کرامت گروه‌های آسیب‌پذیر و آثار حقوقی پس از جنگ را در بر می‌گیرد. فقهای بزرگی همچون علامه حلی و صاحب‌جواهر با استناد به سیره نبوی، بر حرمت تعرض به جان و حیثیت زنان به عنوان یکی از مسلمات فقهی تأکید ورزیده‌اند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۵؛ نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۲۱، ص ۷۳).

برخلاف غنای منابع فقهی، غالب پژوهش‌های پیشین بر توصیف احکام تمرکز داشته‌اند؛ لذا این نوشتار با عبور از نگاه سطحی، به تحلیل ریشه‌های



بنیادین حمایت از زنان در منظومه فقه الجهاد می‌پردازد. پژوهش حاضر، فرضیه خود را برپنج رکن کرامت ذاتی، اصل تفکیک، منع درد و رنج غیرضروری، صیانت از خانواده و مسئولیت اجتماعی دولت استوار کرده است تا ابعاد این مبانی را در ادوار مخاصمه و پسامخاصمه تبیین نماید.

۲. کرامت ذاتی؛ مبانی بنیادین نظام حمایتی

اصل کرامت انسانی یکی از بنیادی‌ترین مبانی فقه اسلامی در تنظیم روابط میان انسان‌ها، به‌ویژه در شرایط مخاصمه است. بررسی ادله فقهی نشان می‌دهد که فلسفه بسیاری از احکام باب جهاد، صیانت از منزلت ذاتی انسان و جلوگیری از تجاوز به حقوق افرادی است که نقشی در عملیات نظامی ندارند. برهمین اساس، ممنوعیت تعرض به زنان، صرفاً یک دستور اخلاقی نیست، بلکه حکمی فقهی و الزام‌آور است (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۵؛ نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۲۱، ص ۷۳)؛ این حکم برخاسته از مفهوم «عدالت ماهوی» است که براساس آن، تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های اجتماعی اشخاص در برخورداری‌های حقوقی اثرگذار است؛ لذا صیانت از جان زنان، پاسخی به ضرورت برقراری عدالت در میدان نبرد محسوب می‌شود.

فقهایی نظیر علامه حلی در تذکرة الفقهاء، با استناد به سیره نبوی، اصل را بر حرمت قتل زنان قرار داده‌اند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۵). از منظر تحلیلی، کرامت انسانی در فقه اسلامی صرفاً ناظر به حق حیات نیست؛ بلکه حمایت از

شخصیت، حیثیت و مصونیت زنان از هرگونه رفتار تحقیرآمیز را نیز شامل می‌شود (شریف رضی، بی‌تا، نامه ۱۴، ص ۳۱۸؛ عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۵، ص ۹۵). بنابراین، قواعدی همچون منع آزار جسمی، حرمت تعرض جنسی و رعایت احترام، همگی از این اصل بنیادین منشأ می‌گیرند.

۳. مبانی فقهی حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه

۳-۱ اصل تفکیک و مصونیت زنان غیررزمنده

یکی دیگر از مبانی رکنین فقه جنگ، تفکیک میان رزمندگان و غیررزمندگان است که ریشه در سیره نبوی دارد. در فقه امامیه، ملاک حمایت از زنان، جنسیت آنان به تنهایی نیست، بلکه «عدم مشارکت مستقیم در عملیات نظامی» است. به عبارت دیگر، معیار مشروعیت رفتار نظامی، نقش واقعی افراد در مخاصمه است، نه صرف تعلق آنان به جامعه دشمن براساس روایات معتبر، پیامبر ﷺ در اعزام سپاهیان، آنان را از کشتن زنان و کودکان منع می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۱). صاحب جواهر تصریح می‌کند که این مصونیت مورد اتفاق فقهای امامیه است و تنها در شرایط اضطرار واقعی و مشارکت مستقیم زن در جنگ، امکان عدول از آن وجود دارد (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۲۱، ص ۷۳). این اصل تفکیک، زمینه‌ساز شکل‌گیری قواعد دیگری همچون ممنوعیت حملات شبانه، منع غارت، و لزوم پرهیز از هتک حرمت زنان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸ و ۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۳).



۲-۳ قاعده منع ایراد درد و رنج غیرضروری و نقش آن در حمایت از زنان

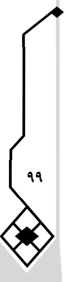
یکی از قواعد مهم حاکم بر فقه جنگ، ممنوعیت ایراد درد و رنجی است که هیچ ضرورت نظامی آن را توجیه نمی‌کند. این اصل ریشه در دو قاعده‌ی مستحکم دارد:

نخست؛ «قاعده نفی ضرر» که براساس آن ورود هرگونه آسیب فاقد توجیه نظامی (مانند آوارگی بی دلیل زنان یا تخریب سرپناه آنان) شرعاً ممنوع است. دوم؛ «صیانت از کرامت انسانی» که مانع تبدیل شدن انسان به ابزاری برای تخلیه خشم یا ایجاد رعب در میدان نبرد می‌شود؛ به همین دلیل رفتارهایی مانند «حمله شبانه» یا «هتک حرمت کلامی» به دلیل تضاد بنیادین با کرامت انسانی زن، در فقه اسلامی منع شده‌اند.

براساس روایت امام صادق علیه السلام از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ایشان هیچ‌گاه به دشمن حمله شبانه نمی‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸). حکمت این حکم، جلوگیری از آسیب‌های غیرقابل کنترل به غیررزمندگان (زنان و کودکان) به دلیل کاهش امکان تشخیص در تاریکی است؛ هرچند در شرایط اضطرار و دفاعی، وقوع خسارت ناخواسته استثنا شده است (سجستانی، ۱۴۲۵ق، ص ۶۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸). همچنین فقها با استناد به سیره معصومان علیهم السلام، استفاده از ابزارهایی مانند سم، غارت اموال و تخریب غیرضروری را که موجب گسترش رنج غیرنظامیان می‌شود، ممنوع دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۳).

قاعده منع ایراد درد و رنج غیرضروری تنها ناظر به آسیب‌های جسمانی نیست، بلکه شامل حمایت از امنیت روانی و شخصیت اجتماعی زنان نیز می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمان‌های نظامی خود، سپاهیان را از تعرض به حریم خصوصی و رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به زنان بازداشته‌اند (شریف رضی، بی‌تا، نامه ۱۴، ص ۳۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با کسانی که نسبت به زنان سپاه دشمن سخنان توهین‌آمیز بر زبان می‌آوردند، برخورد می‌کردند (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۵، ص ۹۵). افزون بر این، امام علی علیه السلام در نامه چهاردهم نهج‌البلاغه، سپاهیان را حتی از پاسخ دادن به توهین‌های زنان دشمن منع کرده و بر رعایت حرمت آنان تأکید ورزیده‌اند (شریف رضی، بی‌تا، نامه ۱۴، ص ۳۱۸).

با تحلیل مجموع این ادله می‌توان گفت که قاعده منع ایراد درد و رنج غیرضروری در فقه امامیه، صرفاً محدود به ممنوعیت استفاده از برخی ابزارهای جنگی نیست؛ بلکه چارچوبی جامع برای حمایت از زنان در برابر هرگونه آسیب جسمی، روانی، حیثیتی و اجتماعی فراهم می‌آورد. این قاعده، دولت اسلامی و نیروهای نظامی را مکلف می‌کند که حتی در شرایط مشروعیت جنگ نیز از هر اقدامی که موجب تشدید بی‌دلیل آلام زنان شود، اجتناب ورزند و اصل را بر کاهش آثار انسانی مخاصمات قرار دهند.



۳.۳ حمایت از زنان در دوران پسامخاصمات؛ الزامات فقهی دولت اسلامی

حمایت فقهی از زنان با پایان مخاصمات خاتمه نمی‌یابد، بلکه دولت اسلامی مکلف به بازسازی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آسیب‌دیدگان است. در منظومه فقه‌الجهاد، هدف نهایی شریعت فراتر از کاهش خسارات جنگ، «اعاده کرامت انسانی» و فراهم‌سازی زمینه بازگشت زنان به زندگی عادی است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۱؛ شریف رضی، بی‌تا، نامه ۵۳). براین اساس، تعهدات دولت و جامعه در دوران پسامخاصمات در دو ساحت زیرتیین می‌گردد:

الف- تعهد به حفظ و بازپیوند بنیان خانواده

یکی از مهم‌ترین حقوق زنان پس از پایان مخاصمات، حفظ پیوندهای خانوادگی است. در فقه اسلامی، جدایی اعضای خانواده، به‌ویژه مادر و فرزند، امری مذموم و ممنوع تلقی شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی که شیخ طوسی نقل کرده است، جداسازی مادر از فرزند را به شدت نکوهش کرده و برای مرتکب آن ضمانت اجرای اخروی بیان فرموده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱). شهید ثانی نیز با تحلیل این روایت، معتقد است که ممنوعیت یادشده اختصاص به اسارت ندارد، بلکه هرگونه جدایی ناشی از جنگ را نیز شامل می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۹).

براین اساس، هرگاه زنان در اثر جنگ آواره شوند یا ارتباط آنان با اعضای خانواده قطع گردد، دولت اسلامی موظف است امکانات لازم برای شناسایی،

ارتباط و بازپیوند اعضای خانواده را فراهم سازد. این تکلیف، صرفاً یک اقدام حمایتی نیست، بلکه از آثار مستقیم احترام فقه اسلامی به نهاد خانواده و صیانت از کرامت زنان به شمار می‌آید.

ب- حمایت معنوی و حفظ کرامت اجتماعی زنان

حمایت از زنان پس از جنگ، تنها در تأمین نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه حفظ شخصیت، منزلت اجتماعی و آرامش روانی آنان نیز از وظایف حکومت اسلامی است. امام خمینی رحمته الله علیه در بیانات متعدد، خدمت به خانواده شهدا و زنان آسیب‌دیده از جنگ را وظیفه‌ای الهی دانسته و بر رعایت احترام، دلجویی، حفظ عزت و ارائه خدمات شرافتمندانه به آنان تأکید کرده‌اند. ایشان تصریح می‌کنند که خدمت به این قشر، در حقیقت خدمت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و هیچ‌گونه رفتار تحقیرآمیز نسبت به آنان پذیرفته نیست (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۹۳؛ ج ۱۳، ص ۵۱۵؛ ج ۲۳، ص ۹۹).

افزون بر این، امام خمینی رحمته الله علیه بر حمایت همه‌جانبه از بازماندگان شهدا در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأکید کرده و این مسئولیت را تنها متوجه دولت ندانسته‌اند، بلکه همه مؤمنان را در قبال حمایت از آنان مسئول معرفی کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۵۷؛ ج ۲۳، ص ۹۹). این دیدگاه، بیانگر آن است که حمایت از زنان آسیب‌دیده جنگ، در فقه معاصر امامیه دارای ماهیتی عمومی و اجتماعی است و تحقق آن نیازمند مشارکت



هم‌زمان حکومت و جامعه خواهد بود.

۴. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش تبیین می‌کند که حمایت از زنان در فقه امامیه، فراتر از توصیه‌های اخلاقی، بر قواعد الزام‌آور شرعی استوار است که بخشی از نظام حقوقی حاکم بر مخاصمات را تشکیل می‌دهد.

برآیند تحلیل منابع نشان می‌دهد که «اصل کرامت انسانی» محوری‌ترین مبنا در این نظام است که علاوه بر امنیت جانی، صیانت از امنیت روانی و حیثیت زنان را در سایه دو اصل «تفکیک میان رزمندگان و غیررزمندگان» و «قاعده منع ایراد درد و رنج غیر ضروری» تضمین می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸ و ۳۷؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۵؛ نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۲۱، ص ۷۳؛ شریف رضی، بی‌تا، نامه ۱۴، ص ۳۱۸).

همچنین، این حمایت‌ها به دوران مخاصمه محدود نشده و در دوران پسامخاصمات نیز با تأکید بر بازپیوند بنیان خانواده و صیانت از جایگاه اجتماعی زنان آسیب‌دیده، تداوم می‌یابد. در نهایت، این منظومه منسجم فقهی نه تنها پاسخگوی نیازهای بشردوستانه در جنگ است، بلکه ظرفیت بالایی برای توسعه مطالعات تطبیقی با حقوق بین‌الملل بشردوستانه جهت تقویت حمایت‌های انسانی داراست.

فهرست منابع

۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکرة الفقهاء، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۵ق.
۴. شریف رضی، محمد بن حسین (بی تا)، نهج البلاغه، قم: دارالهجره.
۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، تهران: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۸. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۴۲۶ق.
۹. کاشانی، علاء الدین، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۷۹.
۱۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.